

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَرْبَعٌ مِائَتٌ وَسِتُّونَ اٰیَةً

به اسم الله رحمان رحیم

حَمْ ① تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ② كِتَابٌ فُصِّلَتْ اٰیٰتُهُ

لِحَمْ * شده نازل از رحمان رحیم * کتابیکه تفصیل شده آیات آن،

قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ③ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ

قرآن عربی بقومیکه دارند علم * بشیر و نذیراست. کردند اعراض اکثر آنها

فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ^۴ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِيْ اَكْثَةِ مِمَّا تَدْعُوْنَا اِلَيْهِ

دیگر آنها نمی شنوند * و گویند قلوب ماست در پرده ها از آنچه می‌کند دعوت ما را بسویش

وَفِيْ اُذُنَانَا وَقُرُوءٍ مِّنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاَعْمَلْ اِنَّا

و در گوشهای ماست سنگینی و در بین ما و بین توست حجاب بکن عمل ما هم

عٰمِلُوْنَ^۵ قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ اِلَىَّ اِنَّمَا الْهُكْمُ لِلّٰهِ

عمل میکنیم * بگو یقیناً منم بشر مثل شما شده وحی بمن که اله شماست اله

وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا ^ط وَوَيْلٌ ^ق لِلْمُشْرِكِينَ ^ك ⑥

واحد باشید مستقیم بوی و استغفار کنید. و وای بر مشرکین *

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَفَرُونَ ⑦ إِنَّ

آنانکه نمی دهند زکات و هستند بر آخرت همانا کافران * یقیناً

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ⑧ قُلْ

آنانکه با ایمان اند و اعمال صالح دارند برای آنهاست اجر غیر ممنون * بگو

اِيَّاكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ

آیا شما تکفیر میکنید به آنکه خلق کرد زمین را در دو یوم و میسازید

لَهُ أَنْدَادًا ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ^۹ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ

برایش همسران. اینست رَبُّ الْعَالَمِينَ* و ساخته آنجا کوه‌ها را بر

فَوْقَهَا وَبُرُكٍ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً

فوق آن و برکت کرده آنجا و مقدر کرده آنجا اقوات آنها را در چهار یوم. یکسان^۲

(۱) قوت: خوراک، غذای لازمی. (قوت لایموت) (۲) یکسان و پوره توضیح شده به همه سؤال کنندگان

لِّلسَّائِلِينَ ۝۱۰ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ

بسؤال کنندگان * باز برقرار شد بر سماء و آن بود دود پس گفت برایش و

لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ۝۱۱ فَقَضَاهُنَّ

برای زمین بیائید مطیع یا بکراهیت. گفتند می آئیم اطاعت کنان * کرد مقدر آنها را

سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا

هفت آسمان در دو یوم و کرد وحی بر کل سماء امورش را . و مزین کردیم

السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِصَابِيَةٍ^{١٢} وَحِفْظًا^ط ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

سماء دنیا با چراغها و حفظ داران. اینست تقدیر العزیز

الْعَلِيمِ^{١٣} فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ

العلیم * اگر کنند اعراض بگو اخطاردهم بشما صاعقه مثل صاعقه

عَادٍ وَثَمُودَ^{١٤} إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ

عاد و ثمود. * وقتی آمد برایشان رُسل از بین خود آنها و از

خَلْفِهِمْ اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اللّٰهَ قَالُوْا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَانْزَلَ مَلٰٓئِكَةً

خلف آنها "نکنید عبادت الا الله را". گفتند اگر میخواست رب ما میگرد نازل ملائک را

فَاِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِ كٰفِرُوْنَ ﴿١٤﴾ فَاَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوْا فِي الْاَرْضِ

پس ما بر آنچه ارسال شدید بر آن منکریم * اما عادیان تکبر کردند در زمین

بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوْا مَنْ اَشَدُّ مِمَّنْ قُوَّةً اَوَّلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ

بغیر حق و گفتند کیست اشد از ما بقوت. آیا نه دیدند که الله

الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۖ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾

که خلق کرده آنها را، اوست اشد از آنها بقوت. و همواره از آیات ما میکردند انکار*

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُنذِرَ قَوْمَهُمْ

پس ارسال کردیم بر آنها باد تند در روز نحس تا ذائقه دهیم آنها را

عَذَابَ الْخُزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ

عذاب ذلیل در حیات دنیا. و هست عذاب آخرت ذلیلتر

وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ^{۱۶} وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ

و آنها نشوند نصرت * و اما ثمود را کردیم هدایت، کردند محبت بکوری

عَلَى الْهُدَىٰ فَآخَذَتْهُمْ سَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا

بجای هدایت، کرد اخذ آنها را صاعقه عذاب ستم بار بر آنچه همواره

يَكْسِبُونَ^{۱۷} وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ^{۱۸} وَيَوْمَ يُحْشَرُ

میکردند کسب * و نجات دادیم آنانرا که ایمان آوردند و بودند باتقوا * و روزیکه شوند حشر

أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ

دشمنان الله بسوی آتش باز میشوند رانده * حتی که رسند آنرا دهد شهادت

عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

بر آنها گوشهای آنها و چشمهای آنها و جلد های آنها بر آنچه همواره میکردند *

وَقَالُوا الْجُلُودُ دِهِمْ لِمَ شَهِدْنَا عَلَىٰ مَا كُنَّا نَقُولُ ۗ أَلَمْ نَقْنَأْ اللَّهُ الَّذِي

و گویند بجلدهای خود چرا شهادت میدهد علیه ما. گویند کردناطق مارا الله که

أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۱﴾

کرد ناطق کل شیء را و او کرد خلق شمارا اول مره و نزد او میکنید رجعت*

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ ۖ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا

و نمیگردید سترخود را که دهد شهادت علیه شما گوشهای شما و نه

أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ ۚ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ

چشمهای شما و نه جلد های شما و لکن گمان میکردید که الله ندارد علم بر

كثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ

کثیر آنچه میکردید عمل * و اینست گمان شما که گمان کردید

بِرِّبِّكُمْ أَرْدَكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخُسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ

بر رب خود، رد کرد شمارا، شدید صبح آن از خساره مندان * اگر کنند صبر هست آتش

مَثْوًى لَّهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَبَاهُمْ مِّنَ الْبُعْثِينَ ﴿٢٤﴾ وَ

جای آنها. و اگر خواهند عتاب نباشند آنها از عتاب شدگان * و

(۱) درخواست کنند که بجای سوختن در آتش بر آنها عتاب شود یا مهلت جبران داده شود.

قَبَضْنَا لَهُمْ قُرْبَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

گماشتیم برایشان قرین ها، کردند تزئین برایشان آنچه مابین دستشان بود و آنچه بخلفشان

وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ

و حق شد علیه آنها قولیکه بود در امت ها که گذشتند از قبل آنها از

الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خُسَيْرِينَ^{۴۵} وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

جن و انس. اینها بودند خساره مندان * و گفتند کسان کافر

لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوَافِیْهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿۲۶﴾

نکنید گوش باین قرآن وکنید لغو^۱ درآن تا که شوید شما غالبان *

فَلَنْ يُقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنْ نُجْزِيَنَّهُمْ

می‌دهیم ذائقه بکسان کافر عذاب شدید و می‌دهیم جزاء آنهارا

أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ

بدترین آنچه همواره می‌کردند عمل * چنین است جزاء دشمنان الله،

(۱) لغو: سخن بیهوده، غوغا.

النَّارِ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ^۱ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا

آتش! برایشان آنجاست دار الخلد.^۱ جزائست چونکه همواره از آیات ما

يَجْحَدُونَ^{۲۸} وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ

میکردند انکار * و گفتند کسان کافر رب ما بنما بما آنانرا که

أَضَلَّنَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمْ تَحْتِ أَقْدَامِنَا لِيَكُونُوا

گمراه کرد مارا، از جن و انس، بکنیم آنها را تحت اقدم خود تا شوند

(۱) دارالخلد: مسکن همیشه، سرای جاویدان

مِنَ الْأَسْفَلِينَ^(۲۹) إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا

از جملهٔ اسفلین^۱ * یقیناً آنانکه گویند رب ماست الله باز استقامت میکنند

تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشُرُوا

میکند تنزل بر آنها ملائک، "نکنید خوف و نه حزن و خوش باشید

بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^(۳۰) نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي

به جنت که بود بشما وعده شده" * ما خود اولیاء شما هستیم در

(۱) اسفلین: پائینترین، اسفل: تحتانی

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۗ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُىٰ اَنْفُسُكُمْ

حیات دنیا و در آخرت. و برایشما آنجا آنچه دارد اشتها نفسهای شما

وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ۗ ۞ نَزَّلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ۗ ۞

و برایشماست آنجا آنچه کنیدا استدعا. * مهمانی از غفور رحیم * و

مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ

کیست احسن بقول از آنکه دعا کند به الله و کند عمل صالح و گوید

إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۳۳﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ^ط

منم از جمله مسلمین * و نیست یکسان نیکی و نه بدی.

إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا عَدَاوَةٌ

بکن دفع با آنچه هست احسن آنگاه آنکه بین تو و بین اوست عداوت،

كَانَتْهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿۳۴﴾ وَمَا يُلْقُهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا

میگردد دوست صمیمی * و نشود داده آن الا بکسانیکه صبر میکنند. و

مَا يُلْقَاهَا إِلَّا دُحُوظٌ عَظِيمٌ ﴿۳۵﴾ وَإِنَّمَا يَنزَغُكَ مِنَ

نشود داده آن الا بدارندگان بخت عظیم * و اگر کند خلش بتو از

الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۳۶﴾

شیطان خلشی ببر پناه به الله. یقیناً او هست السَّمِيعُ الْعَلِيمُ *

وَمِنَ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا

و از آیات اوست لیل و نهار و شمس و قمر. نکند سجده

لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدْ وَابْتَهِمُ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن

به شمس و نه به قمر و سجدہ کنید به اللہ کہ خلق کرد آنہارا اگر

كُنْتُمْ آيَاهُ تَعْبُدُونَ ﴿۳۷﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ

ہستید اورا عبادت کنندگان * پس اگر تکبر کردند باز آنانکہ نزد

رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَوْنَ ﴿۳۸﴾ السجدة

رب توست گویند سبوح اورا لیل و نهار و آنہا نمیشوند خستہ * ﴿۳۸﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا

و از آیات اوست که می بینی زمین را پژمرده، وقتی نازل میکنیم بر آن

الْمَاءِ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُجِي الْمَوْتِ إِنَّهُ

آب را کند اهتزاز و پرورش یابد. یقیناً آنکه احیا کند آنرا میکند احیا مرده را. یقیناً او

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا

بر کل شیء است قدیر * یقیناً کسانی که میکنند الحاد^۱ در آیات ما

(۱) الحاد: دروغ بستن

لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا

نمی مانند مخفی بر ما. آیا آنکه انداخته شود در آتش بهتر است یا آنکه بیاید به امن

يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ^۱ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۴

یوم قیامت. بکنید عمل آنچه خواهید یقیناً او بر آنچه میکنید عمل بصیر است*

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ كِتَابًا عَزِيزًا^۵

یقیناً آنانکه کفر کردند بذكر وقتی آمد برایشان؛ و هست آن کتاب عزیز*

(۱) میبینند خساره اعمال خود را

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ

که نرسد آن را باطل از پیش آن و نه از خلف آن. شده نازل

مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ

از جانب حکیم حمید * نشود گفته بتو الا آنچه شد گفته برای رُسل

مَنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ

از قبل تو. یقیناً رب توست صاحب مغفرت و صاحب عقاب الیم * ولو

جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهَا أَتَعْجَبُونَ

میساختیم آنرا قرآن اعجمی میگفتند چرا نشد تفصیل آیات آن. آیا اعجمی

وَعَرَبِيٌّ قُلٌّ هُوَ الَّذِيْنَ امْتُوا هُدًى وَ شِفَاءً وَالَّذِيْنَ

برای عربی. ^۱ بگو آنست برای کسان با ایمان هدایت و شفاء. و آنانکه

لَا يُؤْمِنُونَ فِيْ اِذَانِهِمْ وَقُرْءٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى اُولٰٓئِكَ

نمیآورند ایمان در گوشهای آنهاست سنگینی و آنست برایشان کوری. آنها را

(۱) اگر قرآن را بزبان عجم میفرستادیم میگفتند چرا بعربی تفصیل نشده. آیا قرآن بزبان عجم باشد برای عرب؟

يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ^{٤٤} وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

میرسد ندا از مکان بعید * و البته دادیم بموسی کتاب را

فَاخْتَلَفَ فِيهِ^ط وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ

کردند اختلاف در آن. و اگر نمیبود کلمه با سبقت^۱ از رب تو میشد فیصله

بَيْنَهُمْ^ط وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ^{٤٥} مَنْ عَمِلَ صَالِحًا

بین آنها. و هستند اینها در شك از آن ریب کنان * هر که عمل صالح کند

(۱) و اگر در اول گفته نمیشد